

چک بی محل از نظر صلاحیت محلی

در تشخیص محل وقوع بزه - در مورد چک بلامحل دو عقیده مختلف موجود است: نظریه اول محل وقوع بانک محال علیه و نظریه دوم محل صدور چک است و بحث پیرامون این موضوع در باره چکهایست که از مصادیق شق الف ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی میباشد و برای بهتر روشن شدن مطلب قسمتی از ماده مرقوم را ذیلاً نقل میکنیم:

« هر کس بدون محل اعم از وجه نقد یا اعتبار چک صادر نماید
بجزای نقدی معادل عشر وجه چک محکوم میشود و اگر محل کمتر از الخ »
الف - نظریه اول :

استدلال معتقدین باین نظریه آنطوریکه در آراء صادره مشاهده شده و در محافل قضائی مورد بحث قرار گرفته بشرح زیر است.

۱ - قانون گذار (چک بلامحل) را جرم دانسته یعنی از نظر مقنن وقتی جرم تمام میشود که بلامحل بودن آن نیز محقق شود و چون در محل وقوع بانک مربوطه بی محل بودن چک واقع میشود بنا براین محل وقوع بانک محال علیه محل وقوع بزه خواهد بود . و بعبارة اخری جرم مزبور مرکب و دارای دو جزء است . و صدور چک و بلامحل شدن آن و جزء دوم جزء متمم جرم است . و بدیهی است که در جرائم مرکب در هر محلی که جزء آخر و متمم واقع و محقق شود محل وقوع بزه همان محل خواهد بود و با این وصف اگر فی المثل در پرونده کار مسلم شود که چک بلامحل موضوع پرونده در تهران صادر شده ولی بعهده بانک اصفهان است و بانک مزبور گواهی بلامحل صادر کرده باشد دادسرای اصفهان صالح برسیدگی خواهد بود نه دادسرای تهران :

۲ - اگر محل وقوع بانک محال علیه را محل وقوع جرم ندانیم در عمل دچار اشکالاتی خواهد شد زیرا ممکن است محل صدور چک معلوم نشود و بنا بر این محل وقوع بزه مجهول خواهد ماند و مشخص نیست که کدام بازپرس باید قرار نهائی صادر کرده و دادگاه مأمور رسیدگی کدام است ؟

زیرا دادگاه محل کشف هم نمیتواند رسیدگی نماید برای اینکه ماده ۱۹۹ ا. د. ک دادگاه محل وقوع جرم را صالح برسیدگی دانسته و در این مورد محل وقوع جرم احراز نشده است و نتیجه جرم از نظر دادسرا و دادگاه اقدام نهائی نخواهد داشت .
۳ - طرفین قضیه (محیل و محتال) از نظر روابط تجاری معمولاً در یک محل

۱ - شق الف ماده ۲۳۸ مکرر پس از حکومت لایحه اخیر چک نیز بقوت خود باقی است .

چک بی محل از نظر صلاحیت محلی

زندگی میکنند و بانک مربوطه نیز در همان محل است اما مثلاً در مورد چکی که صادر کننده در مسافرتیکه با دارنده چک در راه اصفهان همراه بوده در همان اصفهان بعهده بانک واقع در تهران صادر کرده و اکنون چنانچه چک مزبور بی محل باشد ذینفع باید بدادسرای اصفهان مراجعه کند و حال آنکه این عمل بضرر او و تعویق در رسیدگی خواهد بود.

۴ - چنانچه محل صدور چک، محل وقوع بزه باشد گاهی احراز صلاحیت محلی دوچار اشکال میشود زیرا بفرض ممکن است که دو نفر با هواپیما در مسافرت هستند چکی بین خودشان رد و بدل نماید نمایند و چک هم بی محل باشد در اینصورت تشخیص اینکه در آلمان صدور چک طرفین در آسمان کدام دادسرا؟! بوده اند متعسر و شاید غیرمقدور است و ناچار محل وقوع جرم غیرقابل تشخیص خواهد ماند.

۵ - همان طوریکه در قسمت اول ذکر شد آنچه جرم است چک بی محل است نه صرف صدور چک و گرنه اگر محل صدور چک محل وقوع بزه باشد باید بتوان بان چک حتی قبل از مراجعه بیانک محال علیه ترتیب اثر جزائی داد و حال آنکه چنین کاری درست نخواهد بود و چون جرم تمام نشده است موضوع قبل از مراجعه بیانک و اخذ گواهی لازم (تکمیل جرم) قابل تعقیب نیست.

۶ - اگر محل صدور چک محل وقوع بزه باشد ممکن است چک موضوع دعوی مدتی بعد از تاریخ تحریر و تاریخ متن بیانک ارائه شده و تصادفاً در زمان تحریر یا متن محل هم داشته باشد ولی در تاریخ ارائه بیانک بی محل بوده و بنا براین در زمان صدور چک اصولاً جرمی واقع نشده است تا محل صدور آنرا محل وقوع جرم بدانیم و نمیتوان گفت که گواهی بانک مشعر بعدم موجودی یا کسر موجودی حاکی و کاشف از نداشتن محل در زمان تحریر و یا متن میباشد زیرا فرض این است که بانک داشتن محل مالی را در زمان تحریر یا متن گواهی کرده است.

۷ - اگر گواهی بانک مشعر بعدم موجودی صاحب چک، حاکی از وقوع جرم در زمان متن باشد باید در موردیکه چکی در تاریخ ارائه بیانک محل داشته و وجه هم وصول شده باشد ولی مثلاً بانک گواهی عدم موجودی و یا کسر آنرا در زمان متن داده باشد معذک بتوان صادر کننده چک را قابل تعقیب دانست و حال آنکه چنین عملی سابقه نداشته و صحیح نیست.

ب - نظر ثانی (محل صدور چک) و بنظر میرسد که این نظر صحیح تر بوده و دلائل نظریه اول بشرح ذیل قابل رد است :

۱ - درست است که قانونگذار « چک بلامحل » را جرم دانسته ولی بلامحل بودن

۱ - طبق مقررات بانکی دارند چک میتواند از تاریخ متن ظرف ششماه بیانک مربوطه برای وصول وجه آن مراجعه نماید .

چک بی محل از نظر صلاحیت محلی

جزء متمم جرم بان تفسیری که قائل شده اند نیست بلکه بی محل بودن کاشف از وقوع عمل « چک بلا محل صادر کردن » است زیرا در شق الف ماده ۲۳۸ مکرر ق. م. ع مقنن صرف غفلت صاحب حسابرا جرم دانسته و برای آن مجازات قائل شده است. بنابراین اگر در تهران چکی بعهده بانک اصفهان صادر شده باشد گواهی بانک مزبور حاکی و کاشف از غفلت صاحب چک حین صدور خواهد بود و جرم همان موقع صدور تمام شده محسوب است.

۲ - اگر گواهی بانک جنبه ایجاد و تکمیل جرم داشته باشد فرض کنیم چکی مثلاً پنجمه پس از تاریخ متن بیانک ارائه شده و طبق گواهی بانک از تاریخ متن تا تاریخ ارائه یعنی در تمام مدت پنجمه دائماً بی محل بوده آیا گواهی بانک در تاریخ آخرین روز ماه پنجم (تاریخ ارائه) داده شده باشد میتواند فقط موجب و مکمل جرم در همانروز بوده و آیا میتوان گفت که در خلال مدت این پنجمه اصولاً جرمی واقع نشده است ! ؟

۳ - اگر طرفین از محل صادر کردن چک بی اطلاع بوده و یا بر اثر کثرت صادر کردن چک از ناحیه صادر کننده و یا زیادی داشتن چک از طرف دارنده . طرفین نتوانند محل صدور چک بی محلی را معین نمایند اشکالی پدید نیامده و قانون هم تکلیف بازپرس و دادگاه را روشن کرده است.

برای اینکه طبق ماده ۵۰ الف. د. لک اگر محل وقوع جرم مشخص نباشد مستنطق محل کشف جرم و یا محل اقامت متهم و یا محل دستگیر شدن او تحقیقات را ادامه خواهد داد و چنانچه با پایان تحقیقات باز هم محل وقوع بزه « محل صادر کردن چک » روشن نشود قرار نهائی صادر خواهد کرد و بدیهی است که دادگاه واقع در حوزه استنطاق مستنطق مرقوم نیز صالح بر رسیدگی خواهد بود و نمیتوان گفت که بازپرس محلی صالح برای تحقیق و اصدار قرار نهائی باشد اما دادگاه آنجا صالح نباشد و ماده ۱۹۹ سابق الذکر را باید حمل بر صورتی نمود که دادگاه محل کشف یا دستگیری یا اقامت متهم قبلاً دخالت نکرده باشد کما اینکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی $\frac{۹}{۱۵/۱/۹}$ چنین اظهار نظر نموده است!

۴ - ایراد سوم و چهارم قائلین بنظریه اول قابل پاسخ نیست زیرا همانطوریکه صدرا مرقوم افتاد هر بازپرس یا مراجعه بقوانین و دقت در پرونده محل صدور چک را مشخص خواهد نمود و چنانچه روشن نشد بر طبق دستور فوق رفتار خواهد کرد و تعویقی نیز در رسیدگی نخواهد رخ داد مضافاً باینکه بمنظور تسهیل در رسیدگی نمیتوان برخلاف قانون اقدامی نمود.

۵ - در مقام پاسخ ایراد پنجم باید گفت صحیح است که جرم موضوع بحث صدور چک بلا محل است نه صرف صدور چک و بدون اخذ گواهی لازم موضوع قابل تعقیب نیست ولی عدم تعقیب قبل از ملاحظه گواهی مزبور مانع از این نیست که عمل صادر

۱ - رجوع بکتاب رویه قضائی (قسمت کیفری) تألیف آقای احمد متین صفحه ۱۸۵ شود.

چک بی محل از نظر صلاحیت محلی

کننده قبل از گواهی مرقوم در عالم ثبوت و واقع جرم نباشد بلکه چکی که صادر شده (در مورد شق الف ماده ۲۳۸ مکرر) دو حالت دارد یا دارای محل است و یا نه و ما وقتی میتوانیم آنرا جرم دانسته و تعقیب نماییم که برای ما علم حاصل شود.

بعبارة آخری. قابلیت تعقیب و یا عدم قابلیت ناظر بجنبه اثباتی عمل است نه جنبه ثبوتی آن یعنی علم بحکم برای مکلف ایجاد تکلیف میکند نه اینکه احکام بموضوعات. با علم بموضوع بودن آن عارض شوند و در این مورد فرقی بین عالم تقنین و تشریح نیست.

مثلاً دانشمندان علم اصول فقه اسلامی میگویند که فی المثل خمر حرام است نه معلوم الخمریه یعنی حرمت بموضوع خارجی که خمر باشد تعلق گرفته و اعم از اینکه مکلف بداند یا نداند خمر حرام خواهد بود النهایه مادام که علم حاصل کرد که مثلاً این مایع موجود خمر است برای او ایجاد تکلیف میکند که همان اجتناب از آن خواهد بود نه اینکه معلوم الخمریه حرام بوده یعنی قبل از حصول علم برای مکلف بخمر بودن. خمر حرام نباشد و علم و قطع طریق برای وصول باحکام است نه اینکه موضوع احکام باشد.

درمانحن فیه نیز باید گفت گواهی بانک موجب علم دارنده چک به تعقیب صاحب چک خواهد گردید و جرم از نظر مقنن چک بلا محل است نه چک بلا محل با علم به بلا محل بودن آن یعنی علم اشخاص جزء موضوع احکام نخواهد بود و انگهی گواهی بانک مربوط بعمل متهم نیست و بلکه این کار. کار بانک است و در جرائم مرکب باید اجزاء جرم از طرف مجرم واقع شود و خلاصه اینکه :

در شق الف ماده ۲۳۸ مکرر بلا محل بودن چک جرم است در عالم واقع و نفس الامر و وقتی این عدم محل مالی و یا کمی آن معلوم شد موضوع قابل تعقیب خواهد بود.

و بعقیده ما اگر قبل از گواهی بانک. صادر کننده چک اقرار بعدم موجودی خود نمود و شاکی هم شکایت کرد و برای مستنطق هم از جهات دیگر علم بیلا محل بودن و یا کسر موجودی چک حاصل شده و منع قانونی دیگر هم موجود نباشد هیچ مانعی برای تعقیب صادر کننده چک نخواهد بود کما اینکه اگر محال علیه شخص باشد و خود نزد بازپرس حاضر شده و اقرار به نداشتن محل مالی نماید این فرض مصداق پیدا کرده و بازپرس نیز باید موضوع را تعقیب نماید^۲.

و یا مثلاً بانک محال علیه شخص مسئولی نزد بازپرس بفرستد و او نیز اظهار صریح بعدم موجودی محیل در بانک نماید که در این مورد اساساً بانک مربوطه گواهی صادر نکرده است تا بگوئیم محل وقوع بانک محل وقوع جرم است و بنا بجهات فوق کاملاً روشن

۱ - ... فاذا قطع بخمریه شیئی فیقال هذا خمر وکل خمر یجب الاجتناب عنه و لایقال ان هذا معلوم الخمریه وکل معلوم الخمریه حکمه کذلک الان احکام الخمر انما تثبت للخمر لایما علم انه خمر. (نقل از کتاب الرسائل الاربعه تصنیف مرحوم آیت الله انصاری از باب حجیته قطع).

۲ - فرض کنیم شخصی قانوناً صلاحیت داشته باشد که اشخاص عهده او چک صادر کرده و در صورت بی محل بودن نیز قابل ترتیب اثر جزائی باشد.

چك بی محل از نظر صلاحیت محلی

میشود که اقدام بانك با صدور گواهی نه مربوط بعمل متهم است نه جزء جرم و نه هیچ تأثیری در ترکیب جرم داشته و نه محل وقوع آن مؤثر در محل وقوع بزه میباشد بلکه صرفاً یک عمل اداری است برای حصول علم بوقوع جرم بمنظور قابلیت تعقیب و لا غیر.

۶ - ایراد ششم معتقدین بنظریه اول نیز باین بیان مردود است زیرا بفرض اینکه بانك مربوطه وجود محل مالی چك موضوع پرونده را در تاریخ تحریر یا متن گواهی نماید این امر دلیل بر آن نخواهد بود که محل وقوع جرم محل وقوع بانك محال علیه باشد یعنی محل وقوع جرم در هر صورت محل صدور چك است و اگر در فرض مزبور در تاریخ متن چك مورد بحث محل داشته باید گفت که بهر تقدیر گواهی بانك حاکی و کاشف است و در این مورد حکایت از این میکند که صادرکننده در همان تاریخ متن نیز قصد بی محل کردن را داشته است اعم از اینکه تاریخ بی محل بودن تاریخ صدور چك باشد یا تاریخ ارائه یا از تاریخ صدور تا تاریخ ارائه یا فقط تاریخ بین این دو زمان و خلاصه باز هم مسئله کاشفیت و مرئیت گواهی از بین نرفته است و اساساً بین مثل مزبور و اثبات اینکه محل وقوع جرم محل بانك باشد ارتباطی موجود نیست و عمل بانك جنبه اخبار و حکایت دارد نه جنبه انشاء و ایجاد.

۷ - از فرض مزبور در مورد تشخیص تاریخ واقعی احتساب مبداء مرور زمان در مورد چك بی محل میتوان علیه قائلین بنظریه اول استفاده نمود زیرا اگر نظریه اول درست باشد مبداء مرور زمان را باید از تاریخ ارائه چك بانك حساب کرد که بقول آنها جرم در آن موقع تمام شده و واقع گردیده (بدیهی است که مبداء مرور زمان در جرائم آتی از تاریخ وقوع جرم است) و حال آنکه تاکنون کسی چنین حرفی نزده است و بلکه مبداء مرور زمان در جرم چك بی محل (در مورد شق الف ماده ۲۳۸ مکرر) همان تاریخ صدور چك است کما اینکه شعبه دوم دیوانعالی کشور در نظریه $\frac{۲۶۳}{۲۰/۱/۳۱}$ چنین رأی داده است.

« در جرم صدور چك بی محل مبداء مرور زمان تاریخ صدور چك است زیرا بطوریکه از قسمت اول و دوم ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر عمومی مستفاد میشود جرم صادر کردن چك بی محل است ولی چون در قسمت دوم سوء نیت شرط تحقق جرم است قانونگذار مطالبه وجه چك و عدم اقدام متهم را بتأدیه کاشف از سوء نیت او در حین صدور چك قرار داده ... و بهر تقدیر جرم و عمل قابل تعقیب همان صادر کردن چك است چنانکه قبل از مطالبه وجه هم اگر سوء نیت صادرکننده بوسائل دیگر محرز شود جرم واقع شده محسوب و عمل قابل تعقیب خواهد بود بنابراین نمیتوان مبداء مرور زمان را پنج روز پس از ابلاغ اظهارنامه بصادرکننده دانست. »

و از این رأی نیز معلوم میشود که دیوانعالی کشور گواهی بانك احراز سوء نیت را کاشف از وقوع جرم حین صدور چك دانسته است.

۸ - پاسخ ایراد هفتم آنکه قاعده کلی واصل علمی در تطبیق موارد با احکام اینستکه اگر فرع عنوان شده از مصادیق حکم خاصی باشد طبعاً و لا محاله آثار آن حکم نیز بر آن فرع مترتب خواهد بود اعم از اینکه چنین فرعی تحقق پیدا کرده و مصداق خارجی داشته باشد یا نه و در موضوع بحث باید گفت که بند الف ماده ۲۳۸ مکرر مقرر داشته که :

« هر کسی بدون داشتن وجه نقد یا اعتبار چك صادر نماید . . . »

و بنا بر این فرع عنوان شده مشمول بند الف و حکم مزبور خواهد بود یعنی بچنین شخصی قانوناً و عرفاً صدق میکند که بدون داشتن وجه نقد یا اعتبار چك صادر کرده است زیرا فرض اینستکه از نظر مقنن باید صادرکننده چك از تاریخ متن لغایت ششماه متوالیاً محل مالی بقدر مبلغ چك در بانک داشته باشد و چنانچه حتی دربرهه‌ای از زمان هم محل نداشت منطقی بر او عنوان شق الف ماده ۲۳۸ مکرر صادق خواهد بود ولو اینکه در تاریخ ارائه چك بپانک موجودی داشته و وجه چك هم وصول شده باشد و نتیجه هیچ مانعی برای تعقیب صادرکننده چنین چکی از این نظر موجود نیست و نداشتن سابقه حسب ادعا دلیل بر عدم قابلیت تعقیب نبوده و تحلیل فلسفی و بحث علمی خارج از رویه مردم است النهایه چون دارنده چك وجه آنرا وصول کرده دیگر تعقیبی نخواهد کرد و شاید یکی از علل قابل گذشت بودن ماده موضوع مقاله از نظر مقنن نیز همین امر بوده است.

۹ - چنانچه نظر اول درست باشد در موردی بزبان متهم اقدام خواهد گردید زیرا فرض کنیم چکی تاریخ متن آن قبل از تصویب و حکومت لایحه اخیر چك بوده و مثلاً چند ماه پس از تاریخ حکومت لایحه جدید چك بپانک ارائه و بانک در این تاریخ گواهی عدم موجودی صادر کرده و مورد نیز از مصادیق شق الف ماده ۲۳۸ مکرر باشد و صادرکننده چك بآن ادعای جعل کرده و از عهده اثبات هم برنیاید آیا دادگاه میتواند او را بر بربع وجه چك بدستور ماده ۸ لایحه اخیر چك محکوم نماید ؟ که در فرع مزبور اگر عقیده اول صحیح باشد چون جرم در محل بانک واقع میشود قبلاً یعنی در تاریخ متن جرم و عملی واقع نشده ناگزیریم تاریخ وقوع جرم را تاریخ ارائه بانک دانسته و طبعاً مورد مشمول ماده ۸ شده و صادرکننده چك را بخسارت مقرر محکوم نمائیم .

و اگر عقیده دوم درست باشد چون گواهی بانک حاکی از نداشتن محل و عدم توجه و غفلت صادرکننده چك در زمان متن است و تاریخ متن هم قبل از حکومت لایحه مزبور میباشد بدستور ماده ۶ قانون مجازات عمومی نمیتوان او را محکوم نمود و شکی نیست که در صورت قبول نظریه اول بیجهت بزبان متهم اقدام خواهد شد.

در پایان ذکر این نکته نیز بی‌مورد نیست و آن اینکه طبق مقررات لایحه اخیر چك جهات عدم پرداخت روشن شده است ولی این مقررات طبق ماده ۷ لایحه مزبور مجازاً تا شامل چكهای بی محلی است که اظهارنامه برای صادرکننده آن ارسال شده باشد بنا بر این اگر کسی چکی صادر کرده و از تاریخ متن تاریخ ارائه موجودی داشته ولی قبل از مراجعه دارنده چك بپانک، بپانک دستور عدم پرداخت داده و یا بر اثر اشتباهات

چك بی محل از نظر صلاحیت محلی

حاصله در متن چك غیر قابل پرداخت شده و اظهارنامه هم برای صادرکننده فرستاده نشده باشد مسلماً موضوع جرم نبوده و قابل تعقیب نخواهد بود زیرا مورد طبعاً مشمول بند الف ماده ۲۳۸ مکرر است.

و در بند الف هم صریحاً قید گردید که : « بدون داشتن وجه نقد یا اعتبار . . . » و حال آنکه در فرض مزبور صادرکننده چك وجه نقد باندازه کافی داشته است و نتیجه در فرع مرقوم موضوع بدون ارسال اظهارنامه قابل تعقیب نخواهد بود کما اینکه سه حکم از شعب مختلف دیوانعالی کشور تأیید این نظریه است^۱



۱ - رجوع به صفحات ۱۲۵ و ۱۲۷ از کتاب رویه قضائی (قسمت کیفری) شود.